

۱۰ فرهنگ هنروآیین

یادداشت

وزیر ارشاد از حمایت ویژه در ساخت فیلم‌های دفاع مقدس خبر داد

مشقی که نیست ان‌شا...؟

مصاحبه‌های مناسبتی در مناسبت و روز و هفته تقویمی خودش طبیعی، متعارف، مرسوم و شاید هم ضروری به نظر می‌رسد و حکم یادآوری و احترام به نامگذاری و ارزش‌های آن مناسبت بخصوص را دارد اما آنچه مهم‌تر است و باید در اولویت قرار گیرد، عمل به این حرف‌ها و اظهارنظرهای مناسبتی در کل سال است و نباید سخنان زیبا صرفا به همان یک روز یا هفته تقویمی محدود و منصرص شود. سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مصاحبه روز گذشته با ایرنا درباره حمایت ویژه از آثار سینمایی دفاع مقدس، زیبا و ارزشمند است اما وقتی زیباتر و ارزشمندتر می‌شود که راهکارهای جدی و عملی در طول سال و دوره مسوولیت ایشان در ارشاد در این مورد وجود داشته باشد. مرور شعارها و وعده‌های وزیران ارشاد در این چند دوره اخیر و مقایسه آن با عملکرد و نتیجه می‌تواند راهگشای تصمیمات محمد مهدی اسماعیلی در این زمینه باشد. متاسفانه در چند سال اخیر به‌جز شاید دو سه فیلم جذاب و استاندارد و قابل تامل در سینمای مقاومت و دفاع مقدس، عمداً با آثار نازل به لحاظ کیفی و جذابیت روبه‌رو بوده‌ایم؛ به‌خصوص آثاری که به شکل ویژه‌ای هم مورد حمایت ارشاد و نهاده‌ها و ارگان‌های دولتی قرار گرفته و نتوانستند در ارتباط با مخاطب موفق عمل کنند. اگر قرار است حمایت ویژه از فیلم‌های نازل و بی‌کیفیت که صرفا مضمون و محتوای ارزشمندی دارند، انجام شود، همان بهتر که حمایتی در کار نباشد.



پیشنهاد ما تشکیل هیات یا شورای متشکل از برخی از بهترین‌های سینمای جنگ و دفاع مقدس برای نظارت دقیق روی فیلمنامه و در مرحله بعد ساختار فیلم به لحاظ توان جذابیت و ارتباط با مخاطبان گسترده است. در این صورت هر کارگردان ضعیف و ناتوانی اجازه فعالیت در این حوزه مهم را پیدا نمی‌کند و استانداردهای فیلم‌ها از سطح به‌خصوصی پایین‌تر نخواهد آمد.

درعین حال این به معنای بسته شدن در به روی فیلمسازان نیست و همین هیات و همین ارشاد باید از همه فیلمسازان خوب سینمای ایران برای ساخت فیلم‌هایی جذاب و پرمخاطب دعوت و اتفاقاً با رفع موانع آنها را برای فیلمسازی در این زمینه ترغیب کند. پویایی و پوست‌اندازی سینمای دفاع مقدس و جلب نظر جوان ها و همان بحث معرفی نمادهای هویتی به نسل جوان که وزیر ارشاد به آن اشاره دارد، با نرشم و تعامل با طیف‌های مختلف سینماگران به‌دست می‌آید و نباید فعالیت در این عرصه را با سختگیری بی‌مورد و سنگ‌اندازی برای خیلی از علاقه‌مندان محدود کرد. بخشی از این حمایت ویژه موردادعا باید در بحث مالی و در سرمایه‌گذاری باشد چون ساخت این فیلم‌ها بسیار پرهزینه‌تر از فیلم‌های شهری و اجتماعی است و باید از شرط و شروط نهادها و ارگان‌های نظامی متولی کاست که فیلمسازان را گرفتار روند پیچیده اداری نکند و باید چالش‌های همواره با خانواده‌های عزیز شهدا و فرماندهان (به‌عنوان سوژه فیلم‌ها و سریال‌ها) را با تعامل و گفت‌وگو برطرف کرد.

ضمن اینکه رسیدن به نقطه مطلوب در این حوزه نیاز به زمان مناسب دارد و نمی‌توان فوریتی و ضرب‌الاجلی به ماجرا نگاه کرد. از این رو، طرح این موضوع که باید نمود عینی ساخت آثار دفاع مقدسی را در جشنواره فیلم فجر امسال ببینیم از شعارهای زیبا و شلیک‌های مشتقی و صرفاً تقویمی و مناسبتی است که نتیجه‌اش شتاب در تولید و ساختار ضعیف آثار و حضور رفع‌تکلیفی آنها در جشنواره برای ارانه‌آمر و بیلان کاری مدیران خواهد بود.



تعویق زمان برگزاری جشنواره تئاتر خیابانی مریوان

تاریخ برگزاری پانزدهمین جشنواره تئاتر خیابانی مریوان به دلیل تداوم وضعیت قرمز استان کردستان در پی شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاد.
عبید رستمی، دبیر پانزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان گفت: متأسفانه هنوز وضعیت منطقه غرب به‌ویژه استان کردستان قرمز است بنابراین برگزاری جشنواره را به اول آبان امسال موکول کنیم.



۶۰ دو سال پیش به تاریخ ۲۷ شهریور، جمعی از موکب‌داران عراقی مهمان حسینیه امام خمینی (ره) شدند. حالا مستند این دیدار در قالب مجموعه «روایت دیدار» منتشر شده است؛ همان مجموعه‌ای که حاشیه‌های دیدار قشرهای مختلف مانند هنرمندان، خانواده‌های شهدا یا دانشجویان با رهبر معظم انقلاب را نمایش می‌دهد. این روزها در بخش تازه‌ای از روایت دیدار، ملاقات موکب‌داران عراقی با رهبر معظم انقلاب منتشر شده و با نام «پرچم واحد» در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود.

این مستند مربوط به پیش از کروناست؛ زمانی که راهپیمایی اربعین هنوز با شکوه همیشگی‌اش برگزار می‌شد و هنوز حاج‌قاسم سلیمانی، سردار ایرانی در میان ما بود. تقریباً یک ماه بعد از این دیدار، سیل عاشقان امام حسین(ع) از ایران رهسپار عراق شدند و در کشور همسایه و برادر، بزرگ‌ترین اجتماع و رویداد انسانی را رقم زدند. اما بعد از آن، برای دو سال متمادی، امکان حضور در راهپیمایی اربعین برای خیلی از عاشقان و دوستداران امام حسین (ع) فراهم نشده و بسیاری دلتنگ آن روزها هستند. جاماندن از اربعین، دلتنگی برای زیارت سید الشهدای عالم، شاید بهانه انتشار این فیلم مستند بوده، اما در هر صورت این مستند روایت دیدار رهبر یک ملت با موکب‌داران کشور همسایه نیست؛ روایت کنار هم آمدن ملت حسین (ع) است زیر یک پرچم واحد.

۶۱ قدردانی از کرامت ومودت موکب‌داران ماجرا از خبر پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری شروع شد. بعد از دو سال که از دیدار ایشان با موکب‌داران عراقی در قلب پایتخت گذشته، در روز اربعین حسینی(ع) مستند «پرچم واحد» منتشر شده و توجه‌ها را به خود جلب کرده است.

در چهارشنبه روزی بود، صبح ۲۷ شهریور که حضرت آیت... خامنه‌ای وارد حسینیه امام خمینی (ره) شدند و با استقبال جمع قابل اعتنای موکب‌داران عراقی مواجه شدند؛ بده بستان مهر و عطوفت بود که بین رهبر انقلاب و موکب‌داران عراقی موج می‌زد. آنها ملت ایران را دوست و برادر خطاب می‌کردند و رهبر انقلاب رفتار آنها را کریمانه توصیف می‌کردند. رهبر معظم انقلاب در این دیدار ضمن این‌که راهپیمایی اربعین را موضوعی بی‌ظیر و جهانی، و زمینه‌ساز گسترش معرفت حسینی و تشکیل تمدن نوین اسلامی خواندند، در بخشی از اظهارات‌شان گفتند: «از مصیم قلب و از طرف ملت ایران از همه شما موکب‌داران که در ایام اربعین، کرامت و مودت را در بالاترین حد بروز می‌دهید و از همه ملت بزرگ عراق و از مسؤوّلان دولت آن که با تأمین امنیت، زمینه‌های این حرکت عظیم را فراهم می‌کنند و از علما و مراجع عظام عراق، تشکر می‌کنم.» حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای بعد از تکریم مهمانانش، عشق به امام حسین علیه‌السلام را موضوعی استثنایی توصیف کردند که در طول تاریخ نظیر نداشته و نخواهد داشت و به ابعاد بین‌المللی حرکت و اجتماع عظیمی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

گروه

فرهنگی

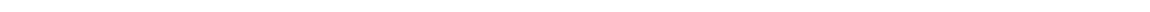
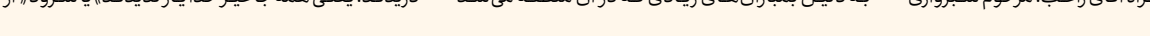
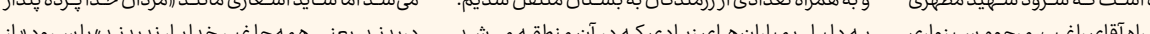
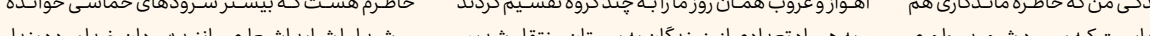
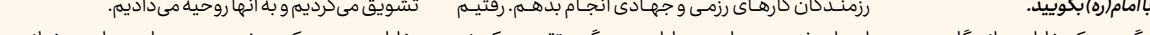
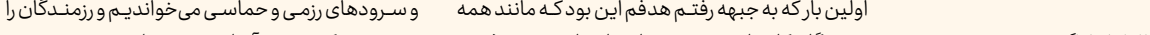
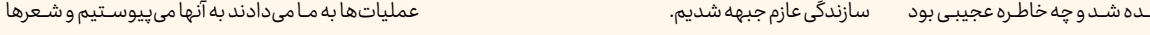
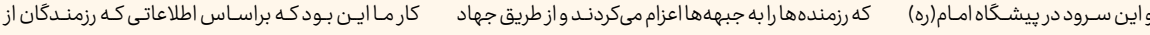
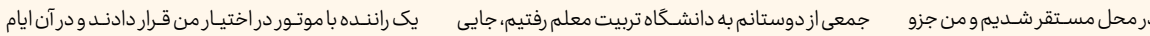
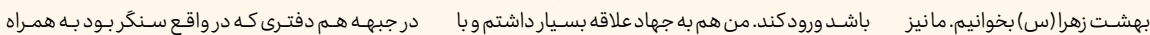
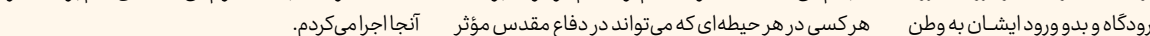
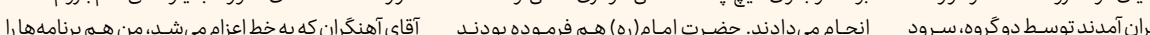
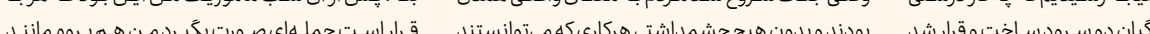
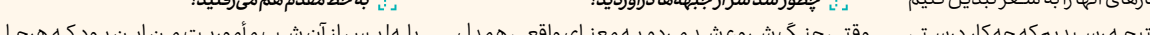
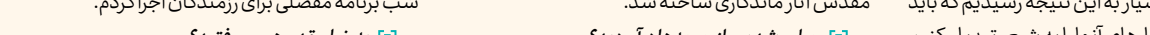
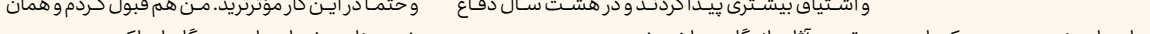
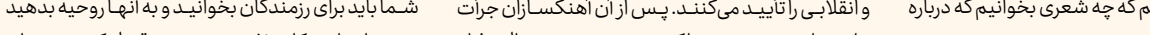
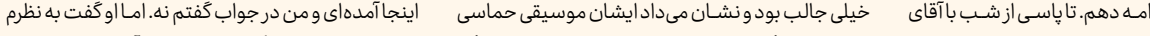
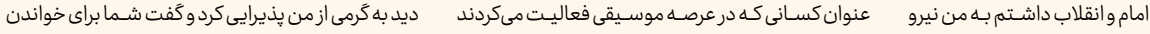
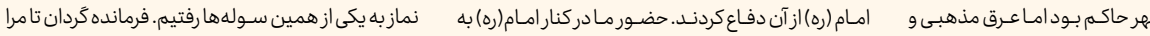
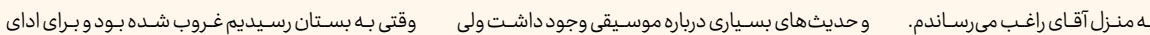
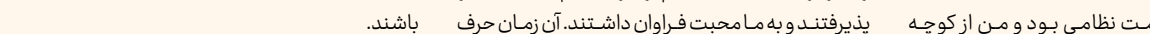
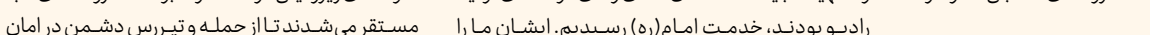
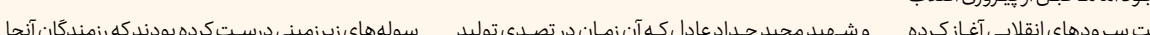
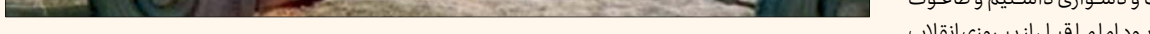
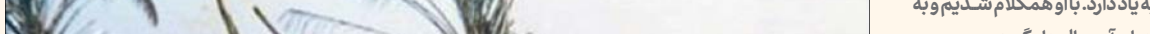
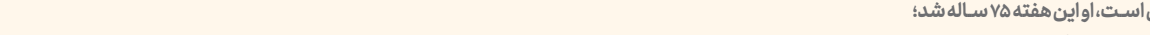
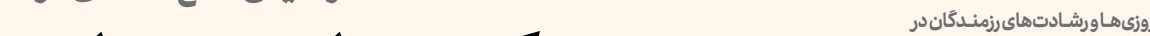
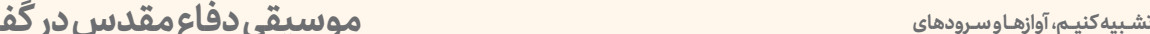
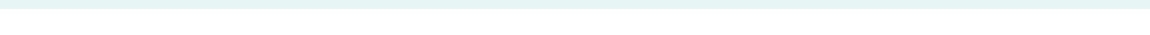
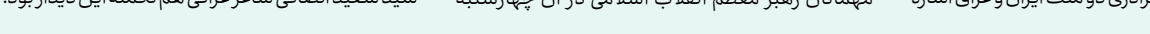
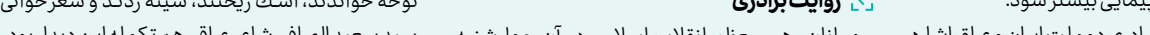
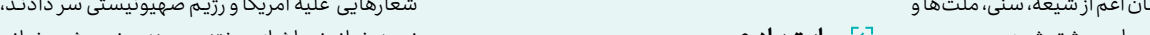
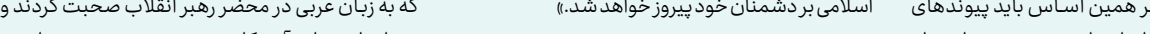
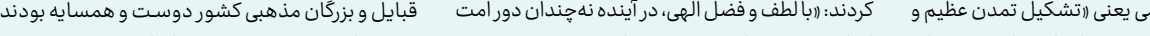
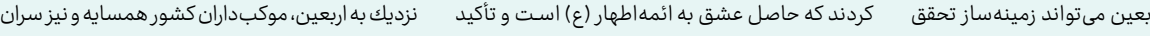
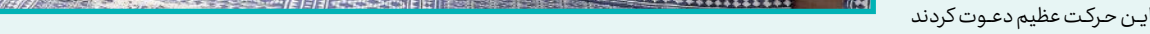
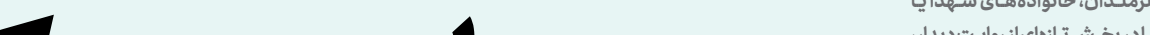
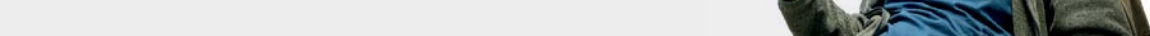
گروه

فرهنگی

گروه

کیومرث پوراحمد به «کرونا» مبتلا شد

کیومرث پوراحمد، کارگردان و تهیه‌کننده پیشکسوت سینما به کرونا مبتلا شد. به گزارش مهر، کیومرث پوراحمد که به تازگی پروانه ساخت فیلم سینمایی «پرونده باز است» به تهیه‌کنندگی علی قائم‌مقامی را دریافت کرده‌است، به ویروس کرونا مبتلا شد. این کارگردان در حالی به کرونا مبتلا شده است که دو دوز واکسن را دریافت کرده بود. تست پی‌سی‌آر این کارگردان روز یکشنبه ۴ مهر ماه، مثبت اعلام شد.



کردند که حاصل عشق به ائمه‌اطهار (ع) است و تأکید کردند: «با لطف و فضل الهی، در آینده نه‌چندان دور امت اسلامی بر دشمنان خود پیروز خواهد شد.»

روایت برادری

مهمانان رهبر معظم انقلاب اسلامی در آن چهارشنبه

۶۰ اگر تاریخ ۴۲ ساله انقلاب اسلامی را به یک فیلم سینمایی تشبیه کنیم، آوازه‌ها و سرودهای محمد گلریز حتما موسیقی این فیلم خواهد بود. صدای او با پیروزی‌ها و رشادتهای رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس عجین شده و هنوز هم پس از گذشت چندین دهه آگر یکی از آن سرودها را گوش کنید شما را به سال‌های جنگ و جبهه پرتاب می‌کند و از حس غرور و عزت ملی سرشارتان می‌سازد. صدای محمد گلریز بخشی از تاریخ و میراث شفاهی این سرزمین است، او این هفته ۷۵ ساله شد؛ گرچه خودش با شوخی می‌گوید سنم کمتر از این حرف‌هاست اما در ۷۵ سالگی هنوز هم پراز انرژی و شور و شوق است و خاطرات روزهای انقلاب و جنگ را به خوبی به یاد دارد. با او هم‌کلام شدیم و به اوایل انقلاب و سال‌های جنگ و جبهه رفتیم تا از خاطرات و حال و هوای آن سال‌ها بگویید.



صبا کریمی

جام جم

شما در خانواده‌ای اهل موسیقی متولد شدید. آواز

خواندن از چه زمانی جدی شد؟

از زمانی که خود را شناختم احساس کردم خداوند به من عنایت داشته، البته ناگفته نماند که صدا در خانواده ما موروثی است و پدرم از خوانندگان قدیمی بود که در کسوت مداحی فعالیت می‌کرد و به «مرشد حسین» معروف بود و به دلیل این‌که صدای رسایی داشت و تحریرهای خوبی می‌داد به او «حسین بلبل» هم می‌گفتند.

او در هر محفل و مجلسی بدون بلندگو می‌خواند و به قدری صدایش جذاب بود که هرکس از آنجا رد می‌شد، می‌ایستاد و توجه رهگذاران به او جلب می‌شد. برادرانم هم از این موهبت برخوردار بودند و من هم که فرزند یکی مانده به آخر بودم، صدایم خوب بود. ایام قدیم در خانه‌ها مراسم عزاداری برگزار می‌کردند و سخنرانان، وعظ و شعاری معروف می‌آمدند و روضه می‌خواندند و من هم که کوچکتر بودم می‌خواستند شعر بخوانم و تشویقم می‌کردند. از همان زمان که ۱۰،۰۰ ساله بودم در این مجالس رفت و آمد داشتم.

پدرم گوشه‌های آوازی را خیلی خوب می‌خواند و من نیز ردیف‌های آوازی را نزد ایشان آموختم. حسن گلپایگانی یکی از برادرانم هم به من درس می‌داد و در واقع وی اولین استاد من بود تا این‌که سال ۵۳ به رادیو و نزد مرحوم ادیب خوانساری رفتم و چندسالی در خدمت ایشان بودم. آن زمان آقای ابتهاج (اسایه) رئیس واحد موسیقی بودند و من هم چند سالی آنجا حضور داشتم و با مرحوم محمدرضا لطفی کار می‌کردیم که گروه شیدا تشکیل شد و من اولین خواننده این گروه بودم. آن زمان رادیو برنامه‌ای تحت عنوان «گلچین هفته» داشت و در واقع فعالیت رسمی من از آنجا آغاز شد و آواز سنتی می‌خواندم.

مدتی بعد ادیب خوانساری بیمار شد و از دنیا رفت و من به همراه شهرام ناظری، مهرداد کاظمی و بسیاری از دوستان دیگر به کلاسی که استاد شجریان برگزار می‌کردند، رفتم. در طول این چند سال، فعالیتم با گروه شیدا ادامه داشت و حدود ۱۵ اثر با آهنگسازی مرحوم لطفی ساخته شد تا این‌که انقلاب شد.

از خاطره دیدارتان با امام (ره) بگویید.

یکی از اتفاقات مهم زندگی من که خاطره ماندگاری هم شد مربوط به سال ۵۹ است که سرود شهید مطهری را خوانده بودم و به همراه آقای راغب، مرحوم سبزواری



سوله‌های زیرزمینی درست کرده بودند که رزمندگان آنجا مستقر می‌شدند تا از حمله و تیررس دشمن در امان باشند. وقتی به بستان رسیدیم غروب شده بود و برای ادای نماز به یکی از همین سوله‌ها رفتیم. فرمانده گردان تا مرا دید به گرمی از من پذیرایی کرد و گفت شما برای خواندن اینجا آمده‌ای و من در جواب گفتم نه. اما او گفت به نظرم شما باید برای رزمندگان بخوانید و به آنها روحیه بدهید و حتما در این کار مؤثرترید. من هم قبول کردم و همان شب برنامه مفصلی برای رزمندگان اجرا کردم.

به خط مقدم هم می‌رفتید؟

بله! پس از آن شب مأموریت من این بود که هرجا قرار است حمله‌ای صورت بگیرد من هم بروم مانند آقای آهنگران که به خط اعزام می‌شد، من هم برنامه‌ها را آنجا اجرا می‌کردم.

در جبهه هم دفتری که در واقع سنگر بود به همراه یک راننده با موتور در اختیار من قرار دادند و در آن ایام کار ما این بود که براساس اطلاعاتی که رزمندگان از عملیات ما به ما می‌دادند به آنها می‌پیوستیم و شعرها و سرودهای رزمی و حماسی می‌خواندیم و رزمندگان را تشویق می‌کردیم و به آنها روحیه می‌دادیم.

خاطرهم هست که بیشتر سرودهای حماسی خوانده می‌شد اما شاید اشعاری مانند «مردان خدا پرده پندار درینند، یعنی همه جا غیر خدا یار ندیند» یا سرود «از